

خمینی ؛ عارف یا جادوگر؟

آدلف هیتلر میگوید: حقیقت همان دروغی است که بارها و بارها تکرار شده است . از جمله دروغ هایی که ماشین تبلیغاتی حکومت اسلامی با تکرارش به شستشوی مغزی مردم ایران اقدام کرد شخصیت خمینی بود. نقش خمینی به عنوان رهبر مذهبی و سپس رهبریت سیاسی از چندین دهه پیش بوسیله غربی ها مورد استفاده ابزاری قرار گرفته بود . غرب حساسیت و خواستگاه مردم ایران را می دانست . نیاز و باور به منجی و ماوراء و متافیزیک . پیش از انقلاب ایران سران قدرتهای جهانی در کنفرانس گوادلوپ تصمیم به سرنگونی رژیم محمد رضا شاه پهلوی گرفته بودند تا به آسوده گی بتوانند از منابع و مواهب طبیعی و زیر زمینی ایران استفاده نمایند . در این میان حکومت پنهان جهانی یا استعمار نوین (آمریکا ، انگلیس و شرکاء اروپایی شان) با حمایت مستقیم و غیر مستقیم از خمینی او را به وسط صحنه دعوت کردند . با پیروزی انقلاب ، نیروهای انقلابی بی درنگ اقدام به اعدام سران حکومت شاه کردند . برخی از ناظران بیان میدارند که يك تیم مجهز تلویزیونی با بر پا کردن آنتن ماهواره ای تمامی اعدامها را بطور مستقیم و زنده برای سران قدرتهای پشت پرده جهانی ارسال می کردند تا آنها از حذف فیزیکی سران حکومت شاه مطمئن شوند . در این حال خمینی به عنوان رهبر انقلاب از تمامی حوادث آگاه بود . اما در این میان مردم در روی صحنه چه نقشی داشتند؟ مردم ملتهد و هیجان زده ایران در جستجوی يك عارف يك پیر و معجزه گر بودند تا همه چیز این دنیا را به بهشت برین مبدل سازد . پیری که گفته میشد نائب امام زمان است .

بی تردید همواره نیروهای اهریمنی و شیطانی در قالب های زیبا و مردم پسند ، آنگونه که مردم باور دارند پا به عرصه میگذارند و از نا آگاهی و جهل درونی توده مردم بیشترین و بهترین استفاده ها را می برند . ظاهر عارف گونه خمینی با عمامه سیاه سیادت و ریش سفید و بلند از او يك پیر و سالک راه حق ساخته بود که نه تنها مردم بلکه تحصیل کردگان خارج رفته ای چون بنی صدر نیز اغفال شدند . اولین رئیس جمهور ایران اسلامی میگوید : من در اوایل دهه ۱۳۵۰ برای دیدن خمینی به عراق رفتم زندگی او ساده و عارفانه بود چنان که او مگس داخل اطافش را نمی کشت . این در حالی است که همسر بنی صدر در اولین دیدار از خمینی به بنی صدر هشدار میدهد که در چهره خمینی خشونت پنهان و نهفته را می بیند اما بنی صدر به این نظر همسرش توجهی نمی کند .

و حکایت ها از کرامات و عرفان خمینی بسیار گفته اند . چند ی پیش بمناسبت دهه فجر (۱۳۸۳) تلویزیون حکومت فیلمی گزارشی در باره رزمنده ای که در اوایل جنگ از ناحیه سر مجروح شده بود پخش کرد . این رزمنده بخاطر صدمات مغزی بنوعی فلج دچار شده بود . او شبی خواب حضرت علی را می بیند که از او می خواهد یا شفایش دهد و یا مرگش را تعجیل کند . حضرت علی او را به خمینی حواله میدهد . روز بعد رزمنده با خانواده اش بسراغ خمینی میروند و خمینی ۱۵ دقیقه به نوشیدنی دعا میخواند و رزمنده می خورد و لحظه به لحظه بهبودی اش حاصل میشود . برای من عجیب است که چرا حکومت ملاها این جادوی خمینی را پس از سالها پخش کرد . بی تردید ماشین تبلیغاتی رژیم بسته به نیازش برای ادامه حیات شیطانی خود دست به هنوع دروغ پردازی می زند .

باری هنوز بسیاری از هموطنان ما بر این باورند که خمینی انسانی وارسته و دلسوز ایران و ملت ایران بود آنچنان که در هنگامه حیاتش کسی جرات خطا نداشت. هنوز خمینی بت بسیاری از مردم ساده پندار ماست و البته این از کلی نگری و تک بعدی نگریستن مردم ما حکایت دارد.

در حوزه عرفان، عارف نماها بسیارند و کسانی که بوسیله ریاضت به قدرتهای متافیزیکی یا ماوراءالطبیعه دست می یابند کم نیستند. خام گیاه خواری، روزه های طولانی، روزه سکوت، گوشه نشینی و شب بیداری و بیان ذکرهای مداوم از مجموعه عواملی هستند که در تمامی مکاتب دینی و عرفانی به طور مشترک و با اندکی تفاوت وجود دارند و هر انسانی با هر دین و عقیده ای اگر به طور منظم از پس تمرینات برآید پس از چندی میتواند به قدرتهای ماورائی دست یابد. "گرچی اف" عارف روس میگوید: من با تمرکز می توانم گاوی را در شهری دور دست از پای در آورم. این نوع قدرتها از هزاران سال پیش توسط انسان کشف و بکار گرفته شد و اصولاً ربطی به رابطه انسان با خدا ندارد و نیز تائیدی بر وارسته گی و پاکی عامل و فاعل اینگونه کارها نیست. بسی انسانهای اهریمن صفتی که در ظاهر خداپرست هستند و در لباس عرفان بر ضد بشریت عمل می کنند. در آموزه های شریعت و طریقت سخن معروفی هست که می گوید: اهریمن ۹۹ کار خوب در برابر آدمی قرار می دهد و سپس در کار صدم ضربه اساسی و نهائی را وارد می کند. حکایت خمینی بدور از این سخن نیست. خمینی با تمرینات روحی به اقتدار دست یافت اما او اقتدارش را در راه منفی و برای نیات غیر انسانی و ارضاء خویش بکار برد. باید دانست که یک سالک و عارف واقعی به هیچ عنوان در سرنوشت دیگران دخالت نمی کند چه رسد به کشتن و فرمان قتل صادر کردن. علاوه بر اینها یک عارف یا به عرصه سیاست و قدرت های این جهانی نمی گذارد. می گویند خمینی از اعدام ها و شکنجه ها و تجاوز به دختران سیاسی در زندان خبر نداشت و کسانی چون محسن رضائی، خامنه ای و رفسنجانی او را اغفال کردند که به جنگ ۸ ساله ادامه دهد. این پرسش مطرح است که چگونه مرد عارفی که چشم بصیرتش باز شده و ظاهراً دارای کشف و کرامات است فریب اطرافیانش را می خورد، آنکس که به بیداری روحی رسیده براحتمی می تواند در نیم نظری از مکنونات قلبی دیگری خبردار شود و جالب این جاست که جناب خمینی خبر دار نمی شود. هنوز بسیاری از ساده اندیشان می گویند خمینی ساده زیست می کرد و دل به دنیا نداشت و نان سیب زمینی خوراکش بود. در پاسخ باید گفت که خمینی نمی توانست در پی زن و پول باشد او به قدرت حساسیت داشت. فرمان راندن بر یک کشور و یک ملت و در رسانه های جهانی مطرح بودن نفس او را ارضاء می کرد. در این حال بر پوستین نشستن و نان سیب زمینی تناول کردن ساده است. خمینی همچون "فاستوس" روحش را به اهریمن تقدیم کرد تا به قدرت برسد و بر جهان مادی سیطره داشته باشد ساخت و پرورش شخصیتی چون خمینی از چندین دهه پیش در برنامه ها و طرح های استعمارنویین جای داشت تا او را به عنوان یک سالک، نائب امام زمان و ناجی به میان کهن ترین و ثروتمندترین کشور جهان بفرستند تا بتوانند به بهترین وجهی ایران را به یغما ببرند.

به ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ نگاهی بیندازید. فرودگاه مهرآباد. هواپیمای ایرفرانس در باند فرودگاه ایستاده است. خمینی در کنار خلبان غیر ایرانی در حالیکه به او تکیه کرده است پلکان هواپیما را بسوی پانین طی میکند، احمد فرزندش در پشت سرش پله به پله پانین می آید. یاران مهم خمینی که سالیان دراز در مبارزه با او بودند در داخل هواپیما ایستاده اند تا خمینی عارف نما در کنار آن خلبان غیر ایرانی که عینک آفتابی به چشم دارد پانین رود. این پرسش مطرح است چرا خمینی که رهبر یک انقلاب دینی و مردمی بود و اساساً اعتقادی به غرب نداشت در برابر مردم ایران و رسانه های جهانی به آن خلبان غربی تکیه کرد؟ آیا نمی توانست با تکیه به خود یا فرزندش احمد از هواپیما پیاده شود؟ پاسخ کاملاً روشن است او از همان ابتدا اجازه هر کاری را نداشت و بایستی با تکیه بر نیروی بیگانه حرکت میکرد. این صحنه نمادین پاسخی به همه مومنان و سینه چاکان خمینی و انقلاب اسلامی است تا دریابند با خیانت کاران سرو کارداشته اند؛ کسانی که تماماً در خدمت بیگانه بوده و هستند. به خاطره ای از بنی صدر اشاره می کنم که از خمینی نقل قول می کند؛ او می گوید در همان اوایل انقلاب خمینی به ما گفت دنیا را آمریکا و انگلیس می گردانند و ما نمی توانیم کاری از پیش ببریم، بروید و در پشت پرده، دور از چشم مردم با آنان مذاکره کنید.

سال ۱۳۵۲ خانم اوریانا فالاجی خبرنگار مشهور ایتالیایی با محمد رضا شاه فقید مصاحبه ای انجام داد . شاه فقید در آن مصاحبه به فالاجی می گوید ایران در سال ۱۳۵۹ بر سر مسئله نفت با عراق درگیر جنگ خواهد شد که تا سال ۱۳۶۴ ادامه می یابد و سپس ایران تجزیه می شود.

کنفرانس گوادلوپ با حضور سران قدرتهای جهانی (اروپا و آمریکا) پیش از انقلاب ۵۷ تشکیل شد که در آنجا تصمیم به سقوط شاه فقید گرفتند . نظام پادشاهی ایران به جمهوری ملاها تبدیل گشت. سال ۱۳۵۹ جنگ با عراق در گرفت ، دیدیم که خمینی جنگ با عراق را تا سال ۱۳۶۷ تداوم داد جنگ و تجزیه ایران برنامه حکومت پنهان جهانی بود که شاه فقید زیر بار آن نرفت جنگی که خمینی و یارانش از سالها پیش آماده آن بودند .

خمینی برای ملت ما به بتی تبدیل شد که ایران را به سوی شرک و آلوده گی سوق داد پرستش شخصیت خمینی روح ملت ما را آلوده به شرک کرد . راهی که در ظاهر دینی و معنوی اما در باطن به شرک آلوده است . بدین سان ملت ما راهی را طی کرده که اهریمن آنرا راهبری می کند . فقر ، فحشاء ، دزدی ، دروغ ، جنایت و همه مشکلات امروز ما در ایران محصول این نا آگاهی ملی است . خیانت خمینی به ایران و ایرانی موجب گردید که او در پایان جنگ هشت ساله در اوج ناتوانی جام زهر را بنوشد . پایانی که اکنون نیز در انتظار جانشینان و یاران او هست .

Shahriyar_shadan@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>